

# نقبی به ناپیدا

هاشم حسینی

آقاخان شازده، شهلا سلطانی، تهران: فرزندان روز، ۱۳۸۵، ۲۶۴ ص. ۳۳۰۰۰ ریال.



نارنجستان می‌زد  
و از پنجره حمام  
عمومی زنان،  
شست و شو  
کنندگان را که  
زنان رعیت بودند،  
برانداز می‌کرد!  
نکته‌های  
طنزآمیز و شوخ  
طبعی راوی، کتاب  
را خواندنی کرده  
است. نقل خاطره  
کنک خوردن پدر  
شهلا از دست زنان  
برهنه درون حمام و یا توصیف سُم دار شدن پیشخدمت و راننده آقاخان شازده پس از مرگ،  
نمونه‌هایی از توانایی‌های داستان‌پردازی شهلا سلطانی است.

آقاخان شازده چهره برون آمده از لایه‌های پنهان فرهنگ زمینداری جامعه ایران است. باز کاوی روابط اجتماعی پایدار و ارائه اخلاقیات نیروهای چیره بر مقدرات موجود (polity)، از ضروریات پژوهش‌های مدنی ایرانیان است. آقاخان شازده که نوعی خاطره‌گویی در قالب خودزندگینامه‌نویسی (اتوبیوگرافی) است، از چند جنبه حائز اهمیت است:

۱. بازآفرینی گذشته خانوادگی بدون سوگیری و پیش‌داوری؛
  ۲. نمایش دقیق سنتها، آداب و رسوم، باورها، زبان‌دها و اخلاقیات اشراف؛
  ۳. روایت دلنشین و تا حدی برخورداری از زیبایی‌شناسی ادبی؛
  ۴. گرایشهای بازگشت به زادبوم زنی فرهیخته و بالیده در فرهنگ باختر.
- در دو دهه اخیر، رویکرد کنجکاوانه ایرانیان به شناخت تاریخی (بازگشت به گذشته) خود نمایان است. کتابهایی در حوزه خودزندگینامه، و معرفی چهره‌های گمنام مانده از جمله آثاری است که در این سالها منتشر شده است. کتاب آقاخان شازده ماشین زمانی است که ما را به گذشته شیرین و پرنقش اصفهان و به اندرونی دودمان قاجار می‌برد.

شهلا سلطانی، از خانواده معروف و قدیمی سلطانی‌های «عاشق موسیقی، پیاده‌روی و فعال [در امور اجتماعی زمان خود]»، به روایت دلنشین روزگاران سپری شده روی آورده است. پدرش دلبستگی زیادی به کشاورزی داشت و باغ او در اصفهان، «دری از باغ بهشت بود». او شهلا را در کودکی به مدرسه کاتولیک‌های اصفهان می‌فرستد تا زبان انگلیسی بیاموزد و آماده اعزام به غرب توسعه یافته شود. در دهه ۵۰ میلادی با پیگیری‌های پدر بزرگ مادریش - آقاخان شازده - به انگلیس و در بیست و دو سالگی به سوئیس می‌رود تا زیر نظر نویسنده نامدار، سیدمحمدعلی جمال‌زاده، به «تحصیلات عالی» بپردازد. در شبانه‌روزی لوزان، دوتن از دختران چارلی چاپلین با شهلا هم کلاس هستند.

شهلا، هنگامی که پس از سالها اقامت در اروپا، خبر بازگشت به زادبوم را می‌شنود، فریادی از شگفتی می‌کشد و می‌گوید:

«من همیشه از این خاک پاک، با شیون و گریه [رفته] و تا اندازه‌ای هم با شیون و گریه به آن بازگشته‌ام.» (آخرین جملات کتاب)

و از این رو، باور دارد:

«... چیزی در دنیا، بهتر از آزادی نیست، همین قدر که کسی بالای سر آدم نباشد و دستور بیاورد که آدم ندهد، زهی سعادت...» (ص ۲۳۲)

آقاخان شازده که بود؟

اسماعیل مسعود (معمدالدوله) معروف به آقاخان شازده، پسر دُراندۀ سلطان مسعود میرزا (ظل السلطان)، فرزند ارشد ناصرالدین شاه بود که از نظر شادروان روح‌الله خالقی یک عمر خیانت کرد و مال ملت را غارت. (سرگذشت موسیقی ایران، ص ۱۲۷) او با آنکه زنهایی بسیار داشت، بارها به آقاخان شازده نصیحت «می‌فرمودند که خود را به این بلایای زمینی مبتلا نکنند». او «یکی از رجال باهوش و تجددخواه قاجاری به حساب می‌آمد» (ص ۱۸۱) و همان کسی است که زنان دربار او را «زلزله سلطان» می‌نامیدند. آقاخان شازده پس از ۸۴ سال زندگی در ۱۳۴۷ درگذشت و در قبرستان تخت پولاد اصفهان به خاک سپرده شد (شرح آن در صفحه ۱۳۵ آمده است). حضور جمعیت زیادی از شهروندان اصفهانی به هنگام تدفین او به تعطیلی بازار و توقف رفت و آمد شهری انجامید. توصیف زنده و گیرای نویسنده از شست و شوی جسد آقاخان شازده در حوض پر از قورباغه و لجن خانه‌اش و وحشت کودکان از دیدن این صحنه‌ها، بیانگر نگاه موشکافانه، شهلا سلطانی است. از این موقعیتهای داستانی نمونه‌های بسیاری در کتاب هست.

آقاخان شازده به تحصیل فرزندان و نوه‌های خود، پسر یا دختر، توجه زیادی نشان می‌داد و تا حد استبداد آری، آنها را به اجرای فرامین آموزشی خود وامی‌داشت و تارسیدن به نتیجه مطلوب آنها را بازخواست می‌کرد. به ادب و هنر توجهی داشت و می‌کوشید آثار جهانی در این عرصه بهره‌مند شود. شخصیت فردی و تناقضهای خاص خود را داشت. از یک سو طالب دستاوردهای علمی و فنی فرنگ بود و از سوی دیگر غرق در خرافه و اسارت شهوت، یکی از سرگرمیهای همیشگی اش آن بود که روزهای جمعه، پس از گردش در باغ، سری به

**انتشارات ققنوس**

**مستتر کرده است:**

**هستی و زمان**

ماریان هایدگر

ترجمه: سیاوش جمادی

۱۴ تومان

گفته اند که هستی و زمان مهم‌ترین شاهکار فلسفی قرن بیستم است. آن را به همی در عالم فلسفه مانده کرده اند. گفته اند که این کتاب استوارترین ستون‌های هستی‌شناسی است. غرب را به نوره درمی‌آورد. (گزشتنی‌ها)

ساختن شگفتی. هرمنوتیک. الهیات. مدرن. روانکاوی و بسیاری از جنبش‌های علوم انسانی معاصر را و انداز این کتاب خوانده اند. به این همه باید آوازه دشواری زبان، طرح شگفت‌انگیز و زرفای بی‌نهایت آن را افزود. این اوصاف چه بسا راست باشند و چه بسا کزاف. در هر حال به ناپیدا و نه انکار آن‌ها گرد از کار فروبسته‌ای نمی‌کشید. کتاب‌ها برای خواندن نوشته می‌شوند و هستی و زمان را باید خواند.

**اپرای شناور (رمان)**

جان بارنت

ترجمه: مهیلا سلی

۲۹۰ تومان

جان بارنت، رمان‌نویس آمریکایی را بشناسید به خاطر رمان‌های نثری‌اش می‌شناسند. او اپرای شناور را در ۲۶ سالگی نوشت. رمانی بسیار فنی و مستحکم که فاصله دو نقطه از زندگی قهرمانش را روایت می‌کند. یعنی از زمانی که قهرمان داستان تصمیم به خودکشی می‌گیرد تا هنگامی که منصرف می‌شود اما آنچه باعث صرفه او از خودکشی می‌شود، نه زندگی، که جوانی مرگ است.

www.yaqnoos.ir